فهرست مطالب

اشاره به مباحث قبل: 2

فقه الصفات 2

ارتباطات عام اجتماعی 2

رابطه فقه و اخلاق 2

1ـ فقه الصفات 3

2ـ روابط عام اجتماعی 4

3ـ روابط خاص اجتماعی 4

جمع بندی 5

فقه العلاقات الخاصه 5

رابطه فقه العلاقات الخاصه با فقه تربیتی 6

فقه ارتباط با طبیعت 6

فقه ارتباط با خدا 6

بسم الله الرحمن الرحیم

**موضوع:** رابطه فقه و اخلاق

## اشاره به مباحث قبل:

عرض کردیم بحث در رفق و مدارا به عنوان یک قاعده کلی بود که در روابط اجتماعی این بحث باید اضافه شود؛ بعد به بحث رفق و مدارا به عنوان یک قاعده در فقه تعلیم و تربیت خواهیم پرداخت.

بحث کلی که عرض کردیم این بود که بخشی از مسایل اخلاقی، کاملاً صبغه‌ی فقهی دارد و در ابواب فقهی موجود جا دارد؛

فقه الصفات

اما بخش عمده‌ای از مباحث اخلاقی ابواب مناسب برای پوشش آن‌ها در فقه موجود نیست. فقه الصفات (فقه اکتساب و اجتناب از صفات اخلاقی)، فقه فضایل و رذایل در این بخش از فقه الاخلاق قرار می‌گیرد. این بحث کاملاً با منهج فقهی برای تعیین تکلیف افعال مکلف از منظر احکام خمسه صورت می‌گیرد.

**ارتباطات عام اجتماعی**

بخشی دیگر، افعال و رفتارهای اخلاقی است که باید برای آن باب و کتاب دیگری تأسیس شود که شامل روابط عام اجتماعی باشد. چرا که اصول و ضوابط عمومی بین عموم مردم و اجتماع باید رعایت شود؟ روابط و ارتباطات عام اجتماعی بین افراد و گروه‌ها از حیث انسان بودن آن‌ها، مسلمان بودن یا شیعه بودن آن‌ها رده‌بندی می‌شود. آنچه در روان شناسی به عنوان «روابط میان فردی» یا در علوم اجتماعی و مدیریت به عنوان «روابط عمومی» مطرح است، در این جا موضوع بحث فقه قرار می‌گیرد.

**رابطه فقه و اخلاق**

پس فقه باید با اخلاق رابطه نزدیک برقرار کند؛ موضوعات اخلاقی می‌تواند بررسی فقهی شود و تحولات در فقه ایجاد شود از جمله تحول، تأسیس ابواب یا کتاب‌های جدید فقهی است.

جهاد النفس وسایل الشیعه به عنوان صفات، فضایل و رذایل باید تبدیل به کتاب فقهی شود با همان شیوه و منهج فقاهتی؛ بررسی یک به یک صفات که کدام واجب، کدام مستحب و ... است، موضوع فقه است چون اکتساب و اجتناب این صفات، فعل اختیاری مکلف (فعل جوارحی و جوانحی) است؛ منهجش هم فقهی است، زیرا از ادله عقلی و نقلی (قرآن و سنت) استفاده می‌شود. داوری عقل در حسن و قُبح افعال، از مبادی حکم فقهی قرار می‌گیرد. در هر مسأله‌ای حکم عقل را اول بحث می‌کنند؛ حکم عقل راهنمای شریعت می‌شود، سپس طبق قانون ملازمه یا راهی که ما عرض کردیم پیش می‌روند، مگر اینکه اخباری افراطی فکر کرد که عقل کاملاً کنار گذاشته شود.

در فقه الاخلاق، قسمت دومی وجود دارد که اصول و روابط عام اجتماعی است؛ بخشی از این روابط واجب، بخشی مستحب، برخی حرام و ... است. در این بخش عناوین ثانوی هم داریم. اگر این کتاب شکل بگیرد، اخلاق ترقی می‌کند، فقه هم اجتماعی‌تر می‌شود و تأثیرات زیاد دارد. بحث‌های سبک زندگی معنی‌دار می‌شود. نظریات اجتماعی اسلام جان می‌گیرد. این بحث در اسلامی‌سازی علوم اجتماعی هم تأثیر گذار است. ابعاد این کتاب فقهی بسیار وسیع‌تر از آن چیزی است که در مکاسب محرمه با عنوان غیبت، کذب و ... مطرح شده است.

بنابراین اگر کل کتاب اخلاق را جلو خود بگذاریم، مباحث آن به سه بخش عمده تقسیم می‌شود:

**1ـ فقه الصفات**

مباحث صفات اخلاقی که قابل اکتساب و اجتناب است و فعل جوانحی است و با همین عنوان در فقه قرار می‌گیرد. اکتساب و اجتناب صفات موضوع برای فقه می‌شود. صفتی که متعلق اکتساب و اجتناب واقع می‌شود، می‌تواند موضوع فقه باشد. صفاتی که موضوع اخلاق است، در فقه موضوع نیست بلکه موضوعِ موضوع است یعنی صفات، موضوع اکتساب و اجتناب و اکتساب و اجتناب موضوع فقه واقع می‌شود. پس موضوع اخلاق صفات است، موضوع فقه، اکتساب صفات و اجتناب از صفات. صفات اخلاقی محکوم به احکام شرعی نمی‌شود؛ موضوع حکم فقهی تکلیفی، باید با قید اکتساب و اجتناب بیاید و الا نمی‌تواند موضوع حکم تکلیفی باشد.

2ـ روابط عام اجتماعی

روابط عام اجتماعی، بخش دوم افعال انسانی است. افعال در روابط عام اجتماعی بین انسان‌ها، با اهل‌کتاب، با مسلمانان و با مؤمنان جریان دارد. این روابط از حیث عناوین چهارگانه به جهت اینکه متعلق یکی از احکام خمسه هستند، در فقه بحث می‌شود و از حیث اینکه حُسن و قُبح دارد، موضوع اخلاق است. رفتار در روابط اجتماعی هم موضوع فقه است و هم موضوع اخلاق. مراد از روابط اجتماعی، رفتار میان فردی و رفتار جمعی است که موضوع برای هر دو علم قرار می‌گیرد. اخلاق از حیث حسن و قح بحث می‌کند و فقه از حیث اینکه صدور دستور مولوی است. دستورات اخلاق جنبه ارشادی دارد نه مولوی. در اینجا روابط عام اجتماعی موضوع فقه است. روابط عام اجتماعی از دو حیث بحث می‌شود: 1) گاهی از منظر عقل و عقلاء بحث می‌شود، آیات و روایات هم که نقل می‌شود به عنوان ارشاد به حکم عقل مطرح می‌شود؛ 2) گاهی از حیث اینکه مولویت شرعی و داوری شرعی دارد و بحث فقهی است، بحث می‌شود. داوری عقل اگر ظرفیت تبدیل شدن به حکم فقهی را داشته باشد، از مبادی فقه روابط اجتماعی می‌شود. بنابراین احکام عقلائیه و سیره عقلاء گاهی می‌تواند فقه شود.

3ـ روابط خاص اجتماعی

مراد از روابط خاص اجتماعی، اصول و ضوابطی است که بین آدم‌ها باید رعایت شود از حیث عنوان خاص، مثلاً عنوان حاکم و محکوم، روابط خانوادگی و ارتباطات درون خانواده از قبیل ارتباطات همسران، پدر و فرزند، ارتباطات استاد و شاگرد، روابط دو همسر، ارتباطات همکاران و ... هر یک از این ارتباطات دارای اصول و ضوابط خاصی است در همان فضای خاص که با عناوین خاص و معین باید بررسی شود. این نوع ارتباطات خیلی متنوع است. برخی از روابط قابل سلب است مانند روابط دوستی، همکاری، همسفری و حتی همسری، ولی برخی دیگر غیر قابل سلب است مانند روابط پدر و فرزندی، مادر و فرزندی. این نوع روابط متفاوت از نوع دوم (ارتباطات عام اجتماعی) است.

**جمع بندی**

بنابراین فقهی‌سازی مسایل اخلاقی موجب تقسیم آن به سه حوزه می‌شود:

1ـ فقه الصفات

2ـ فقه العلاقات العامه

3ـ فقه العلاقات الخاص بین ابناء البشر.

**سامانه فقه العلاقات الخاصه**

فقه علاقات خاص تقسیم می‌شود به حوزه‌های مختلف و مبتنی بر نوع روابط دسته‌بندی می‌شود. این یک راه است برای دسته‌بندی و تقسیم‌بندی.

راه دوم این است که فقه روابط اجتماعی خاص را در ابواب خاص و موجود فقهی جایگزین کنیم. روابط حاکم و محکوم در فقه سیاسی و بحث ولایت فقیه آورده شود. بحث‌های خانوادگی در کتاب النکاح آورده شود، روابط همکاران در فقه الاداره و مدیریت باید تأسیس شود و آورده شود. و همین‌طور سایر مباحث؛ اگر بحثی در ذیل هیچ از کتاب‌های فقهی جا نگرفت، باید برایش فکری کرد. پس تا آنجا که راه دارد باید مباحث را در کتب موجود فقهی جاسازی کنیم، باب‌های موجود را غنی‌سازی کنیم. اگر باب مرتبط موجود نبود، باید باب یا کتاب جدید تأسیس شود.

از بین دو راه ذکر شده ما راه دوم را ترجیح می‌دهیم. این تئوری است که در مورد فقه اخلاق داشته ایم، و مرزهای این دو دانش است. این طرحی است که از حدود ده سال قبل روی آن کار می‌کنیم.

اگر اخلاق را کسی مجتهدانه بررسی کند، و ولو با روش اجتهادی، نباید نام فقه بر آن نهاد. فقه به معنای فقه اصغر، اصطلاح خاص است. و گرنه کسی جعل اصطلاح می‌کند حرف دیگری است.

**رابطه فقه العلاقات الخاصه با فقه تربیتی**

بحث فقه تعلیم و تربیت زیر مجموعه بحث از علاقات خاصه قرار می‌گیرد، این بحث نیز کتاب خاص فقهی ندارد و باید تأسیس شود و توسعه یابد. در فقه تعلیم و تربیت، فقط علاقات و مباحث ارتباطی بحث نمی‌شود، بلکه فراتر از مباحث ارتباطات بحث می‌شود. بین فقه تربیتی و فقه ارتباطات انسانی رابطه عموم و خصوص مطلق بر قرار است.

**فقه ارتباط با طبیعت**

این بحث تا اینجا در مورد ارتباطات انسانی بود اما ارتباطات با محیط زیست، با طبیعت، با حیوانات، هم بحث اخلاقی دارد و هم فقهی. این هم بابی است که باید اضافه شود. بحث‌های محیط زیست در کتاب‌های احیای موات، تحجیر، صید و ... آمده است اما بخش‌های کارنشده هم داریم.

**فقه ارتباط با خدا**

اگر بحث بر اساس ارتباطات، دسته‌بندی شود باید در این مجموعه ارتباط با خداوند را هم اضافه کرد؛ جزئیات ارتباط با خداوند در بخش «عبادات» فقه موجود، کار شده است، اما اصول و ضوابط کلی و عام ارتباط با خداوند کار نشده است که جای کار دارد. تا حدودی بحث‌هایی شده است و ما هم در سخنرانی‌ها مباحثی طرح کرده‌ایم. پس در کنار عبادات باید فصلی آورده شود تا مباحث کلی ارتباط با خداوند در آن آورده شود.

به نظرم می‌توان فقه مهندسی جدید کرد. گرچه هنوز تقسیم بندی چهارگانه مرحوم محقق حاکم است و ما هم آن را قبول داریم؛ ولی می‌توان این ارتباطات را هم اضافه کرد و سامانه جدید پی‌ریزی کرد.

ما در این جلسه بحث از مدارا را قطع کردیم و به حاشیه رفتیم تا بحث کاملتر شود.